irannewspaper.ir

دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۹۲۳
• اذان ظهر ۱۲/۰۶ • اذان مغرب ۱۷/۲۰ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۰۵/۴۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۷/۱۴

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، چاپخانه مؤسسه جام جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

سخن روز

حضرت محمد (ص):
شما نمی‌توانید، با مالتان، همه مردم را بهره‌مند سازید، پس با آنان با روی خوش و گشاده برخورد کنید.

الکافی، ج ۲

وقتی همه سوگواریم

سرمایه‌ای ماندگار برای فرهنگ ایران‌زمین

مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری: درگذشت هنرمند و کارگردان برجسته سینما و تئاتر ایران، زنده‌یاد بهرام بیضایی، ضایعه‌ای برای جامعه هنری و فرهنگی کشور است.
وی از زمره هنرمندان مؤلفی بود که توانست هنر را با تفکر، تاریخ را با اسطوره و نمایش را با هویت ایرانی در آمیزد و آثاری خلق کند که فراتر از صحنه تئاتر و قاب سینما، در حافظه فرهنگی ملت ایران ماندگار شود.
بی‌تردید، آثار ماندگار خالق «روز واقعه» سرمایه‌ای ماندگار برای فرهنگ ایران‌زمین و بخشی ارزشمند از میراث فکری و هنری این مرز و بوم به‌شمار می‌آید و در گذر زمان، بر غنا و اثرگذاری آن افزوده خواهد شد.
اینجانب درگذشت این هنرمند نامدار کشورمان را به خانواده محترم ایشان، جامعه هنری و فرهنگی کشور و همه دوستدارانش تسلیت می‌گویم و برای آن فقید آرامش ابدی و برای بازماندگان ایشان صبر، سلامتی و تسلای خاطر مسألت دارم.

به‌مثابه یک معیار

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور: درگذشت جناب آقای بهرام بیضایی، هنرمند نامدار کشورمان، کارگردان ماندگار سینما و تئاتر، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس و پژوهشگر برجسته فرهنگ و اسطوره، پایانی است بر حضور جسمانی یکی از عمیق‌ترین صداهای تاریخ معاصر هنر این سرزمین؛ اما بی‌تردید، آغاز ماندگاری پررنگ‌تر نام و اندیشه او در حافظه فرهنگی ایران است. بهرام بیضایی نه صرفاً یک هنرمند، بلکه معمار اندیشه در هنر بود؛ هنرمندی که روایت، تاریخ، اسطوره، زبان و هویت ایرانی را با نگاهی نقادانه، ژرف و مستقل بازخوانی کرد و آثاری آفرید که هم پختگی و جهان‌بینی خاصی در آنها نمایان بود و هم فراتر از زمانه خود ایستادند. او با آثارش به ما آموخت که هنر، میدان پرسش است، نه تکرار؛ و فرهنگ، زیستگاهی زنده است، نه خاطره‌ای ایستا.

باور دارم که اندیشه، زبان و جهانِ بیضایی همچنان الهام‌بخش نسل‌های آینده خواهد بود. نام او در تاریخ هنر ایران، نه به‌عنوان یک دوره، بلکه به‌مثابه یک معیار باقی خواهد ماند.

دعوت به حفظ ارزش‌های انسانی

علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور: درگذشت «بهرام بیضایی» در روز تولدش، تنها فقدان یک هنرمند نیست؛ بلکه خاموشی اندیشه‌ای است که تاریخ، اسطوره و اکنون را به تبادل نظر می‌کشاند.
او در عرصه تئاتر و سینما، از مرگ یزدگرد تا روایت‌های زن‌محور و حاشیه‌نشین، همواره به پرسشگری قدرت در هر شکل و مکان پرداخت و روایت‌های رسمی و سازوکارهای حذف، بویژه در آثارش که به زنان می‌پرداخت را به چالش کشید.
بیضایی هنرش را به میدان اندیشه تبدیل کرد و نشان داد جامعه‌ای که با حافظه و پرسش‌هایش روبه‌رو نشود، ناچار آنها را به سکوت و تبعید می‌سپارد.
فقدان او یادآور کاهش خلاقیت در حیات فرهنگی ماست که می‌توانست در متن جامعه حضور داشته و برپیوستار نسلی اثرگذار باشد.
آثارش همچنان ما را به بازخوانی تاریخ و حفظ ارزش‌های انسانی دعوت می‌کنند. یاد و اثر او در حافظه فرهنگی ایران جاودانه خواهد ماند.

گسترش روایتگری ایرانی

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: درگذشت استاد بهرام بیضایی، نمایشنامه نویس، پژوهشگر و فیلمنامه‌نویس، موجب تأثر شد. ایشان در سال‌های طولانی فعالیت هنری خود، با خلق آثار نمایشی و سینمایی و توجه به ریشه‌های فرهنگی و اسطوره‌ای، سهمی درخور در گسترش روایتگری ایرانی ایفا کردند. اهتمام زنده‌یاد بیضایی به پژوهش و ارتقای دانش نمایش، در کنار نقش مؤثر در تربیت نسل جدید، بخشی از میراث فرهنگی این استاد هنرمند را شکل داده است. آثار، پژوهش‌ها و نوشته‌های زنده‌یاد بیضایی از تألیفات، تا آثار نمایشی و سینمایی در حافظه هنر ایران پایدار خواهد ماند.

ضرورتِ حمایت از سرمایه‌های فرهنگی

عبدالکریم حسین‌زاده، معاون رئیس جمهور: افسوس که ایران، یکی از سترگ‌ترین روایتگران ادب و هنر را از دست داد؛ بهرام بیضایی. یارِ دیرینِ شاهنامه فردوسی و هنرمندی که با قلم و اندیشه، تار و پود تاریخ و فرهنگ این سرزمین را به صحنه آورد و ریشه‌های ایرانی‌مان را در دل هنر زنده نگه داشت. واژه‌واژه نوشته‌ها و لحظه‌به‌لحظه آثار نمایشی او هم تجلی هویت کهن ایران و پیوستگی فرزندان این خاک با گذشته‌شان بود و هم یادآور ارزش‌های والای انسانی و اجتماعی. تلخی این فقدان زمانی ژرف‌تر می‌شود که به یاد آوریم او که عمری مردمش را به تأمل درباره ریشه‌ها و فرهنگشان فرا می‌خواند، دور از آغوش وطن چشم از جهان بست.
این تجربه تلخ، ضرورتِ بازاندیشی در سازوکارهای حمایت از سرمایه‌های فرهنگی کشور را یادآور می‌شود تا سرزمین ما بیش از این ناچار به وداع در غربت با فرهیختگانی نباشد که می‌توانند در متن زندگی و فرهنگ این ملت حضور داشته باشند و اثر بگذارند.
غم درگذشت بیضایی تلنگری دوباره است تا بیش از پیش به خانه‌مند شدن نخبگان در وطن مان «ایران جان» بیندیشیم.
زنده یاد بهرام بیضایی برگ تازه‌ای بر دفتر فرهنگ ایران‌زمین افزود و میراثی برجای گذاشت که فراتر از زمان، در حافظه فرهنگی این ملت، بقا خواهد یافت.

مجید مظفری در گفت‌وگو با «ایران» از همکاری‌اش با خالق «سگ کشی» و «مسافران» می‌گوید

کار کردن با بهرام بیضایی مثل دانشگاه بود

گفت‌وگو

گروه فرهنگی

برای مجید مظفری، بهرام بیضایی نه کارگردانی سختگیر بود و نه اسطوره‌ای دور از دسترس؛ او یک دانشگاه بود؛ دانشگاهی که شرط ورودش آگاهی، مطالعه و شناخت عمیق فرهنگ و تاریخ ایران بود. مظفری در این گفت‌وگو از تجربه کار با بیضایی می‌گوید؛ هنرمندی که به باور او، هرگز نمرد، آرامش را دیر یافت و آینه‌ای از فرهنگ ایران به‌جا گذاشت که هنوز مقابل ما ایستاده است.

شما در آثاری چون «وقتی همه خوابیم»، «سگ کشی»، «مسافران» و «غریبه و مه» با بهرام بیضایی کار کرده‌اید. اگر بخواهید بدون تعارف بگویید، کار کردن با او سخت‌تر بود یا رهایی بخش‌تر؟ و چرا؟

به نظر من کار کردن با بهرام بیضایی اصلاً سخت نبود؛ اصلاً و ابداً. من از تجربه شخصی خودم می‌گویم؛ هیچ مشکلی با او نداشتم و او هم هیچ مشکلی با من نداشت. فقط یک شرط داشت: اگر قرار است با بیضایی کار کنید، باید آگاه باشید؛ دقیقاً و کاملاً آگاه. باید نسبت به کاری که قرار است انجام دهید مطالعه داشته باشید، بیضایی را بشناسید، نوشته‌ها و پژوهش‌هایش را خوانده باشید. به بیضایی فقط از مسیر آثارش می‌شود نزدیک شد؛ همین‌طوری نمی‌شود به او نزدیک شد. کار کردن با بهرام بیضایی شبیه دانشگاه بود. آن‌قدر از او می‌آموختی که تازه می‌فهمیدی چقدر از کاری که می‌کنی و از شغلی که داری عقب هستی.

خیلی‌ها از بهرام بیضایی به‌عنوان «آیینه‌دار» فرهنگ ایران یاد می‌کنند. در واکنش‌های اهالی فرهنگ و هنر به درگذشت او، این تمثیل تکرار شده که آثارش مثل آیینه‌ای روبه‌روی ماست. به نظر شما بیضایی در پی نشان دادن چه چیزی در این آیینه بود؟

بهرام بیضایی طلایه‌دار هنرمند ایرانی بود؛ یعنی ایرانی‌ترین هنرمند ایران. به نظر من، او در ادبیات نمایشی، فرهنگ و تاریخ ما چهره‌ای واقعاً درخشان است. بیضایی نمرده؛ سالیان سال و حتی هزاره‌ها زنده خواهد بود؛ با نوشته‌ها، پژوهش‌ها و آثاری که از او باقی مانده است. خودش در فیلم «مسافران» می‌گوید: «درست است که ما اینجا جمع شده‌ایم تا مراسم ختم بگیریم و درست است که آنها از نظر فیزیکی کنار ما نیستند، اما کسانی که کاری می‌کنند و اثری انسانی از خود به‌جا می‌گذارند، همیشه در کنار ما و در ذهن ما حضور دارند. به نظر من، بیضایی در روز مرگش تولدی دوباره داشت. درست است که ۸۷ سال عمر کرد، اما هیچ‌وقت روی آرامش و آسایش را ندید و امروز به این آرامش رسید.

همزمانی درگذشت بیضایی با سالروز تولدش باعث شد خیلی‌ها این واقعه را نمادین ببینند؛ شما به‌عنوان کسی که در طول سال‌ها، تجربه کار و دیدن آثار مختلف داشته‌اید، این همزمانی را چگونه معنا می‌کنید؟ این نگاه نمادین چه پیامی برای سینما و تئاتر امروز دارد؟

بهرام بیضایی امروز دوباره متولد شده است. او آفتاب درخشانی بود که در شرق طلوع کرد و متأسفانه در غرب غروب کرد. دردناک است که چنین آفتابی در غرب غروب کند و چهره‌هایی مثل علی نصیریان و بهرام بیضایی که در جهان‌بینی خودش سرآمد همه اینها بود.

اگر یک بازیگر جوان امروز بخواهد با منطق بازار پیش برود، اساساً چیزی از بیضایی برایش قابل استفاده هست یا او متعلق به نسلی است که دیگر وجود ندارد؟

بهرام بیضایی برای همه نسل‌هاست، چون فرهنگ و تاریخ و ادبیات نمایشی ما برای همه نسل‌هاست. کسانی که دل‌شان برای تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران می‌تپد، همیشه زنده‌اند. جوان‌ها اگر آثار این نویسندگان را بخوانند، خودشان را زنده نگه داشته‌اند. خیلی‌ها در این مملکت نمرده‌اند؛ زنده‌اند: مولانا، حافظ، خیام و... در ادبیات نمایشی هم در دهه ۳۰، چهره‌هایی مثل علی نصیریان و بهرام بیضایی که در جهان‌بینی خودش سرآمد همه اینها بود.

بهرام بیضایی برای همه نسل‌هاست، چون فرهنگ ما برای همه نسل‌هاست؛ تاریخ ما برای همه نسل‌هاست و ادبیات نمایشی ما هم همین‌طور. کسانی که دل‌شان برای تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران می‌تپد، همیشه زنده‌اند

به گفته خودتان، بیضایی رفت اما آیینه‌اش ماند. مسئولیت امروز ما در برابر این آیینه چیست؟

آیینه همیشه نور و روشنایی است؛ زندگی و زایش است، یعنی ادامه دادن. نگاه بهرام بیضایی به زندگی همین بود. او هیچ وقت ناامید نشد و هیچ چیز نتوانست سد راهش شود.

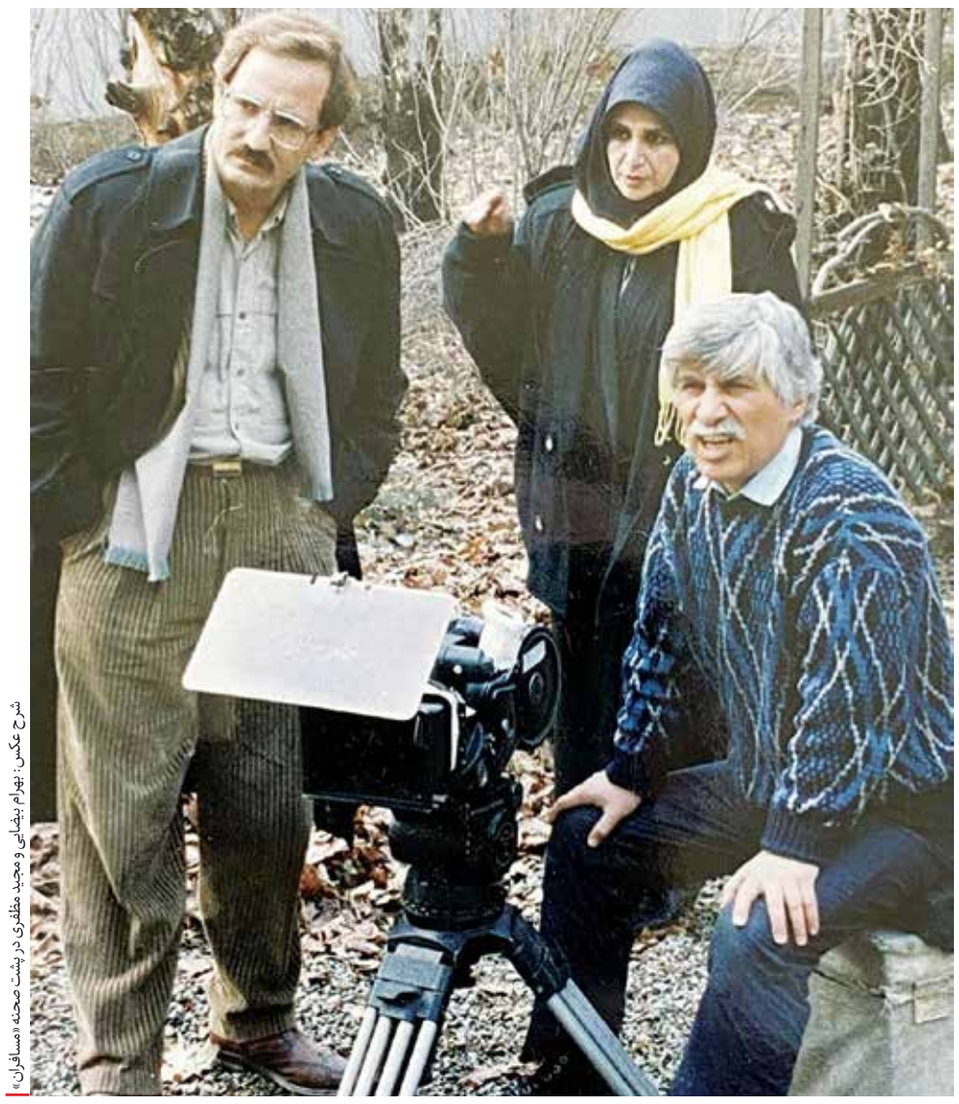

شرح عکس: بهرام بیضایی و مجید مظفری در پشت صحنه «مسافران»

اکبر زنجان‌پور:

بیضایی بخشی از تاریخ ایران است

«غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می‌شکند»، این بیت از نیما یوشیج، وصف حال من، بعد از شنیدن خبر فوت بهرام بیضایی است.
در نمایش «شب هزار و یکم» با ایشان همکاری داشتم. آن زمان در بین هنرمندان سینما و تئاتر موجی راه انداخته بودند که بهرام بیضایی خیلی خشن بوده و کسی را قبول ندارد. اما با توجه به شناختی که از ایشان پیدا کرده‌ام، باید بگویم که بسیار آدم نازنین و مهربانی بود. در نمایش «شب هزار و یکم» باید چند بار لباسم را تعویض می‌کردم، ما اختلاف سنی زیادی با یکدیگر نداشتیم ولی او همچون پدری مهربان خودش می‌آمد و با وسواس در تعویض لباس‌ها به من کمک می‌کرد. او مراقب همه بازیگرانش بود و تا جایی که توان داشت، در همان چند ساعتی که با ما بود، به احوالات گروه رسیدگی می‌کرد.
اکنون شاهد این هستیم که برخی از کارگردان‌ها بعد از چند کار، برای خود دستیارانی گرفته و با توجه به سلسله مراتبی که در نظر گرفتند، از طرف آنها، با شما تماس می‌گیرند اما بهرام بیضایی خودش با بازیگران تماس گرفته و صحبت می‌کرد. همه این موارد نشان‌دهنده شخصیت بزرگ ایشان بود که ساده به دست نیامده است.
در سال‌هایی که خارج از ایران بود، متأسفانه با ایشان در تماس نبودم اما از طرف دوستان از احوالات ایشان باخبر می‌شدیم و برایشان ناراحت بودیم.
این درست است که ایشان همیشه ماندگار بوده و مرگ نیز حق است، اما ما داغدار او هستیم.
ای کاش در زنده بودنش، آن ارزشی که داشت، دیده می‌شد. او معلم بزرگی برای تمام ایران است. او بخشی از تاریخ ایران است.

ایرج راد:

بیضایی می‌تواند واحد پژوهشی مستقلی برای دانشگاه‌ها باشد

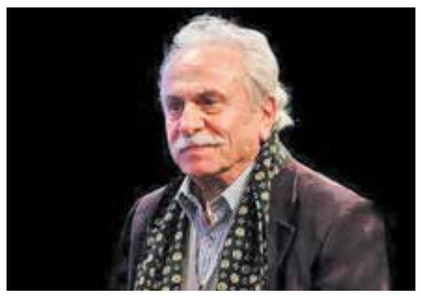

متأسفانه فرصت همکاری مستقیم با بهرام بیضایی را نداشته‌ام، اما همه آثار او را با دقت دنبال کرده‌ام؛ از نمایشنامه‌هایی که نوشت تا اجراهایی که به صحنه آورد و فیلم‌هایی که ساخت و کارگردانی کرد. آنچه برایم روشن است، این است که بیضایی انسانی بی‌نظیر در حوزه فرهنگ نمایش ایرانی بود؛ هنرمندی که آشنایی کامل و عمیقی با نمایش‌های ایرانی، بویژه نمایش‌های سنتی این سرزمین داشت.
او در نمایشنامه‌نویسی، از تکنیک‌های نمایشی ایرانی نه به شکلی موزه‌ای و ایستا، بلکه با نگاهی خلاقانه و امروزی بهره گرفت و این عناصر را در آثار خود به شکلی زنده و تکامل‌یافته به کار برد. از این منظر، بهرام بیضایی را باید دانشمند فرهنگ هنرهای نمایشی ایران دانست؛ چه در عرصه نمایشنامه‌نویسی، چه در تحقیق و پژوهش، چه در کارگردانی آثار تاریخی صحنه‌ای، چه در سناریونویسی برای تصویر و چه در فیلم‌هایی که خود ساخت.
آثار او به‌عنوان یک کارگردان، از ارزش و اعتبار بسیار بالایی برخوردارند؛ آثاری که در آنها فرهنگ این سرزمین، آداب، عناصر و تکنیک‌های نمایشی ایرانی به‌روشنی موج می‌زند و پشت هر کدام اندیشه‌ها و مسائلی نهفته است که هر یک حرفی جدی و قابل تأمل برای گفتن دارند. زبان و نوع نگارش بیضایی نیز جایگاهی ویژه در ادبیات فارسی، بخصوص ادبیات نمایشی دارد و تأثیری ماندگار بر این حوزه گذاشته است.
بیضایی به‌عنوان یک محقق و پژوهشگر نیز دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بود و در کنار آن، در زمینه کارگردانی و حتی مونتاژ، چهره‌ای کم‌نظیر به شمار می‌رفت. از همین رو مونتاژ بسیاری از آثارش را نیز خود انجام داد.
او همچنین استادی برجسته بود که در کلاس‌هایش دانشی گسترده و ریشه‌دار از هنرهای نمایشی ایران ارائه می‌کرد؛ دانشی مبتنی بر شناختی اساسی، درونی و برخوردار از درون‌مایه‌ای محکم. به اعتقاد من، بهرام بیضایی خود می‌تواند یک واحد پژوهشی مستقل برای دانشگاه‌ها باشد؛ زیرا همه نمایشنامه‌های او ظرفیت بررسی، تحقیق، نقد و گفت‌وگو دارند و یافتن جوهره خاص آثارش، برای علاقه‌مندان به شناخت هنر ملی و هنرهای نمایشی این سرزمین، بسیار آموزنده و تأثیرگذار است.
آنچه درباره بیضایی می‌توان گفت، بسیار بیش از آن است که در یک یادداشت کوتاه بگنجد. هرچند از درگذشت او عمیقاً متأسفم، اما آثار ارزشمندی که از خود به‌جا گذاشته، همچنان می‌تواند منبع تحقیق، پژوهش و آموزش باشد؛ آثاری که برای دوستداران نمایشنامه‌نویسی، تئاتر و سینما، جایگاهی ویژه دارند و می‌توان از آنها بسیار آموخت.